

از فروش کیسه های زباله تا قرار گرفتن در لیست میلیادرها

## MARK Cuban

« Mark Cuban » در یک خانواده متوسط در «Pittsburgh» ایالات متحده متولد شد. از همان

دوران کودکی و نوجوانی به دلیل وضعیت اقتصادی خانواده و همچنین به سبب علاقه فراوان خودش

به تجارت به این عرصه قدم گذاشت. در سن ۱۲ سالگی کودکی دست و پا چلفتی با یک عینک ته

استکانی در محله های اطراف کیسه زباله می فروخت. و اندک درآمد خود را صرف هزینه های

ضروری کودکانه اش می کرد. در همان روزها بود که اصول اولیه تجارت را به خوبی آموخت؛ او

دریافت که هیچ شغلی سبب کاهش اعتبار اجتماعی نمی شود و از سویی دیگر آموخت که برای

کسب درآمد حتما نیازی نیست که انسان سرمایه کلان اولیه داشته باشد.

او که در مدرسه علیرغم مشکل بینایی و همچنین فرصت اندک برای درس خواندن به سبب کار

روزانه اش توانسته بود. همواره بهترین نمرات را به دست آورد، به عنوان یکی از بهترین شاگردان

مدرسه دوران تحصیلی را به اتمام رسانده و تصمیم به ورود به دانشگاه گرفت. رشته مورد علاقه او با

بازرگانی بود و در سراسر ایالات متحده تنها ده دانشگاه تدریس این رشته را در اختیار داشتند. از میان

این ده دانشگاه، کم هزینه ترین یعنی دانشگاه «Indiana» را برگزید و برای ادامه تحصیل وارد آنجا

شد. اگر چه «Indiana» در مقایسه با دیگران کم هزینه تر بود اما به هر حال دوران دانشجویی نیز

خرج و مخارج خاص خود را داشت. و «Mark» برای تامین هزینه هایش به مشاغل گوناگونی روی

آورد تا بتواند حداقل علاوه بر هزینه تحصیل، خود را از گرسنگی برهانند.

از همان سال اول با مشکلات فراوانی روبه رو شد: سنگینی هزینه ها و اجبار او برای روی آوردن به حرفه های مختلف از یکسو و رفتار خشن و ناملایم ناظم دانشکده از سویی دیگر هر لحظه او را تشویق به ترک تحصیل می کرد؛ اما علاقه او به بازرگانی توانست تا اخذ مدرک کارشناسی با بهترین نمرات او را همراهی سازد ولی دیگر هر لحظه او را تشویق به ترک تحصیل می کرد؛ اما علاقه او به بازرگانی توانست تا اخذ مدرک کارشناسی با بهترین نمرات او را همراهی می سازد ولی دیگر تاب ادامه تحصیل برای MBA را نداشت. از همین رو به کارشناسی اکتفا کرد و از دانشگاه بیرون آمد.

با بیرون آمدن از دانشگاه «Cuban» تصمیم گرفت تا تمامی آموخته ها و تجربیات این سالهای سخت را به کار بندد. و تلاش خود را برای آینده ای روشن آغاز نماید. او که با نیاز بازار وقت جامعه به خوبی آشنایی داشت تصمیم گرفت تا وارد وضعیت کامپیوتر شود، صنعتی که حتی کوچکترین اطلاعاتی در مورد آن نداشت! با بکارگیری تمامی زوایای اقتصادی و همچنین مطالعه بسیار در مورد مسائل ابتدایی این عرصه، «Cuban» در سال ۱۹۸۳ یک شرکت کامپیوتری با نام «MICRO Solutinos» و با کاربری مشاوره کامپیوتری بنا کرد که در عرض چند سال به سرعت به اولین شرکت مشاوره و ادغام سیستم ها تبدیل شد و از سالی ۱۹۹۰ این شرکت سالانه درآمدی معادل ۳۰ میلیون دلار به دست آورد. اما در آمد واقعی زمانی عاید «Cuban» شد که کمپانی بزرگ «COMPU Sever» اقدام به خرید شرکت «cuban» نمود و در جریان این معامله سرمایه بسیار خوبی از آن او کرد.

با بدست آوردن این گنج باور نکردنی «Cuban» دیگر تمامی روزهای سخت گذشته را پشت سر گذاشته بود و حال تمامی رویاهایش را در عالم واقعیت می دید. او که در دوران کودکی همیشه آرزو داشت همانند اشراف زاده ها در گوشه ای بنشیند و از گذر زندگی لذت ببرد، تصمیم گرفت تا کسب و کار را رها کرده و روزهای خوش زندگی را آغاز نماید.

از این رو به همراه یکی از هم کلاسی های قدیمی اش در «Indiana» خانه ای در «Dalls» خرید و هر دو به اتفاق هم به یاد آوری خاطرات تلخ و شیرین گذشته پرداختند. اگر چه «Cuban» خرید و هر دو به اتفاق هم به یاد آوری خاطرات تلخ و شیرین گذشته پرداختند. اگر چه «Cuban» به طور فیزیکی به کار اشتغال نداشت اما ذهن او همواره درگیر مسائل متعدد بود. او که علاقه شدیدی به ورزش بسکتبال داشت، به خود می اندیشید که چرا نمی تواند بازی تیم های مورد علاقه اش را از رادیو دنبال نماید، همین فکر جرقه ای بود برای یک پدیده نوین! "چرا نمی شود شبکه های رادیویی و تلویزیونی را مستیما از طریق اینترنت دریافت کرد؟" این سوال به تولد «Broadcast.com» در سال ۱۹۹۵ انجامید و در نتیجه آن «Cuban» به شهرت بسیار بالایی دریافت.

با روی کار آمدن «Broadcast.com» دیگر تمامی کاربران اینترنتی قادر بودند تمامی برنامه های داخواهشان را به طور مستقیم از طریق اینترنت دریافت کنند و این مساله شور و هیجان خاصی در میان مردم پدید آورد. چندی بعد در سال ۱۹۹۹ کمپانی «yahoo» این سایت را به مبلغ ۲ میلیارد دلار «Cuban» خرید و با این اقدام او را روانه لیست میلیاردرهای دنیا نمود.

حال او حتی از رویاهای کودکانه اش نیز فراتر رفته بود و دیگر نمی توانست با این سرمایه چه کند؟! ابتدا خانه ای به مساحت ۶۰۰۰ مترمربع در «Dallas» خریداری کرد و بعد یک هواپیمای شخص به قیمت ۴۱ میلیون دلار برای خرید و سرانجام بهترین هدیه زندگی اش را به خودش داد: خرید سهام

یکی از تیم های بسکتبال حاضر در NBA با نام «dallas Mavericks» به مبلغ ۲۸۰ دلار!

در ۱۴ فوریه سال ۲۰۰۰ با در اختیار گرفتن این تیم، می نماید.

عشق و علاقه فراوان او به این رشته ورزشی سبب شد تا او یک شبکه ورزشی تلویزیون را مختص به این تیم نماید و همچنین در خطوط هوایی. America Airlines اقدام به بخش مسابقات این تیم می

نماید. نکته قابل توجه در مورد تعصب بیش از حد به این رشته و این تیم آن است که او تا به این سن ازدواج نکرده و حتی قصد ازدواج نیز ندارد و چرا که او خود را در عقد تیم بستکبالش می داند

وزندگی مشترکین با این تیم را به زندگی های رایج فعلی ترجیح می دهد!!

تایموتی برنس

Timothy Berners lee

"World Wide Web" اصطلاحی آشنا برای تمامی کاربران اینترنتی است که در سراسر این کره

پهناور همه آنها به هر زبان و ملیتی که باشند یک برداشت مشترک از آن دارند. اما شاید بسیاری از

شما دوستان اطلاعی نداشته باشید که این کلید ورودی سایت های جهانی از کجا و توسط چه کسی

پدیدار گشته است.

"Timothy Berners lee" در سال ۱۹۶۴ در لندن دیده به جهان گشود. از همان دوران کودکی عشق و علاقه فراوان به سر هم کردن اشیای کم ارزش دور و بر خودش جهت ساخت لوازم باارزش تر نشان می داد، بارها و بارها با کنار هم قرار دادن قوطی های کنسرو برای خودش ماشین های اسباب بازی درست می کرد و آنها را مقابل چشمان کودکان همسایه به نمایش می گذاشت. هنگامی که اندکی بزرگتر شد به سراغ وسایل برقی رفت قطعه های ساده الکترونیکی ساخت "Tim" برای فروشندگان لوازم الکتریکی محله سکونت شان اصلاً قابل باور نبود.

سال ها بعد در سال ۱۹۷۶ از کالج "Queen" دانشگاه آکسفورد فارغ التحصیل شد و در همان زمان بود که اولین کامپیوتر خود را به همراه لحیم یک تکه آهن، چند قطعه TTL، یک عمل کننده M۶۸۰۰ و یک تلویزیون قدیمی ساخت. با انجام این کار، توسط یک شرکت مخابراتی با نام «Pleesy» که یکی از تولیدکنندگان بزرگ تجهیزات مخابراتی در بریتانیا به شمار می رفت، جذب شد. مدت دو سالی را که در آنجا بود توانست ایستگاه های تقویتی پیام ها را تقویت بخشد و از این رو کمک بسیار موثری به این صنعت اهدا کرد.

دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۷۸ از «Pleesy» جدا شد و به کمپانی بزرگ دیگری به نام «DGNash» پیوست، جایی که او با هوش و ابتکار بالای خود توانست یک نرم افزار حروف چینی برای چاپ کننده های هوشمند طراحی کند.

یک سال و نیم بعد به عنوان مشاور ارشد در لابراتوار فیزیک اروپا در سوییس به کار شد و در مدت شش ماهی که در آنجا فعالیت می کرد توانست برای خودش برنامه ذخیره اطلاعات ویژه ای با کارایی

بالا طراحی نماید، از آنجا که «Enquire» برنامه طراحی شده را تنها برای استفاده شخصی خودش ابداع کرده بود، در صدد انتشار آن بر نیامد اما جالب اینجاست که همین برنامه بعدها زمینه ساز طراحی «WWW» گردید.

با جدایی از لابراتوار فیزیک به کمپانی مشهور «CERN» پیوست، در همان جا بود که خلاقیت «Tim» در زمینه طراحی های کامپیوتری بیش از پیش شهره خاص و عام شده بود و توانست با استفاده از توانایی بالایش در این امر برنامه های بسیار متنوعی را طراحی کند که از جمله آنها می توان به «WWW» اشاره کرد.

این طراحی که در دسامبر ۱۹۹۰ انجام شد به افراد اجازه می داد تا با یکدیگر در یک وبسایت ارتباط برقرار نمایند و سرانجام در تابستان ۱۹۹۱ در اینترنت راه اندازی شد.

دقیقاً از همین زمان بود که پیشنهادات متنوع و باارزشی از سوی شرکت های بزرگ کامپیوتری به سوی تیم سرازیر شد و نام او را بر سر زبان ها انداخت. فعالیت های گرافیکی و برنامه نویسی او از سال ۱۹۹۱ تا به امروز به حدی گسترده شده است که برای نوشتن پیرامون آنها ساعت ها وقت لازم است.

برای نشان دادن گوشه ای از عملکرد این مرد بزرگ در این سال ها ذکر این مطلب کفایت می کند که از سوی امپراتوری بریتانیا لقب شوالیه - دومین رتبه عالی سلطنتی - به این مبتکر چهل ساله و مدیر کنسرسیوم «WWW» به خاطر خدماتش به توسعه جهانی اینترنت اعطا می گردد.